

بسیاری از ترانه سرایان در سالهای فعالیت خود به سرودن ترانه و کار با خوانندگان بسنده کردند اما **بابک صحرایی** از جمله ترانه‌سرایانی بود که در فضای هنری نیز فعال بوده است. صحرایی سردبیر ماهنامه هفت نگاه، نویسنده، مدیر اجرایی و ناشر ماهنامه ترانه ماه، صاحب امتیاز، مدیر مسؤول و سردبیر خبرگزاری تربیون هنر بوده و سابقه نویسندگی در روزنامه‌ها و نشریات مختلفی را نیز دارد. ارتباط گسترده صحرایی با هنرمندان مختلف در سال‌های متمادی سبب شده که او حضور فعالی در عالم هنر داشته باشد چنان که او به تازگی در حیطه تئاتر نیز فعال شده است.



ترانه مکرّم از دیگر بانوان ترانه‌سرایانی است که نقش مهمی در موسیقی پاپ دارد. در کارنامه مکرّم سابقه همکاری با خوانندگان متعددی به چشم می‌خورد؛ از محمد اصفهانی و محسن چاوشی گرفته تا رضا صادقی و سیروان خسروی. او در دهه ۷۰ ترانه‌سرای بی‌رقیب آلبوم‌های پاپ به شمار می‌رفت و کمتر آلبومی بود که مکرّم در آن ترانه‌ای نداشته باشد.



ته‌ایم که در همین قرن پا گرفت؛ ترانه‌نویسی برای موسیقی پاپ

۵۰ سال داریم

مشخص تفکیک را چه بسا مردود دانسته‌ایم بنابراین اینجا نمی‌خواهیم به کسی خرده بگیریم که چرا کسی غزل حافظ را حفظ نیست درحالی‌که مثلاً ترانه‌ای با صدای احسان خواجه‌امیری را از بر است. نه، می‌خواهیم بگوییم اتفاقاً ترانه نوع بسیار مهمی از ادبیات فارسی است، چون توانسته چنین همه‌گیر شود. ترانه ترانه فارسی از صدسال پیش روی پای خود ایستاده، زانو صاف‌کرده و به کمک موسیقی آمده تا خوراک کلامی درخوری داشته باشد.

پیدادرو نقش موسیقی از این واژه

این‌که می‌گوییم صدسال پیش به خاطر آن است که نخستین کلماتی را که شبیه ترانه‌های امروزی هستند اگر تبارشناسی کنیم، یحتمل به همان صدسال پیش می‌رسیم؛ قرن‌ی که حالا در روزهای پایانی آن به سر می‌بریم. در این دو صفحه با ترانه‌نویسی برای موسیقی پاپ سروکار داشته‌ایم و عجلاتاً دیگر اشکال ترانه‌نویسی مثل تصنیف را به کناری نهاده‌ایم تا در فرصتی دیگر برویم سروقش.

آیا ترانه، ادبیات است؟

ترانه مهم است؛ در حد نوبل



باور منحنی است که می‌گوید ترانه، صورت تقلیل یافته‌ای از شعر است. در چه بسیار انجمن‌های ادبی که هنوز و همچنان وقتی شاعری پشت تربیون شعرخوانی می‌رود، نگاهی که به تولید و پروسه تولید اثر او به عنوان امر خلاقه شکل می‌گیرد، نگاهی است واجد ارزش‌های والای ادبی، اما همان شاعر اگر برای خواندن ترانه‌ای پشت همان تربیون برود و برای همان عده‌ای که شعرش را شنیده‌اند، ترانه‌ای بخواند، اثری که تولید کرده، به عنوان متنی که «خب، ترانه است و شعر نیست» تعبیر می‌شود.

هنوز کسانی که در مرز این دو (شعر و ترانه) زیست و فعالیت می‌کنند یا به این هردو علاقه نشان می‌دهند، به وجوه تفکیک سفت و سختی در این بین قائلند؛ وجوهی که تأکید همچنان بر آنها، به فرسایش بحث مدام و بی‌ارزش مقام والاتر شاعر از ترانه‌سرا دامن زده است.

اما همه آنها که به این وجوه تفکیک، باور دارند، در تحلیل ماهیت آن به سر می‌برند، غافل از این‌که مرور زمان و گذشت روزگار بر هر دو عرصه، ماهیت آنها را نیز می‌تواند دستخوش تغییر و از این رو تحلیل‌های این عده را از درجه اعتبار ساقط کرده باشد. ترانه‌سرایی، مدت‌هاست با مصادیق معتبری که به دست داده، انگاره فوق را نامعتبر کرده است. علاوه‌براین، مدت‌هاست در جهان نقد، ارزش‌ها و هنجارهای ادبی، سنجه‌های دیگری را جز چندوچون ژانرها و قالب‌های گوناگون ارائه، مدنظر قرار می‌دهند. معیار سنجیدن ارزش‌های ادبی یک متن، مدت‌هاست دیگر داستان و شعر و نمایشنامه و ترانه بودن آن نیست و ساده‌انگارانه است این فرض را به‌عنوان یکی از پیش‌فرض‌ها در عمل نقد دخالت دادن.

چنانچه آکادمی نوبل، چند سال پیش جایزه ادبیاتش را به باب دیلن به عنوان ترانه‌نویس داد تا یکسره خط‌طلاتی بکشد بر این باورهای کهنه؛ جایزه‌ای که گفته می‌شود سال‌هاست به چهره‌های مهم اعطا نمی‌شود. اما کسانی که پشت این تحلیل می‌ایستند به یک نکته دقت ندارند و آن این‌که نوبل ثابت کرده می‌خواهد جایزه‌ای نه برای تشویق و تجلیل، بلکه جایزه‌ای برای جریان‌سازی باشد. در همین



یم نام ببریم که برای موسیقی کلاسیک قی پاپ را مد نظر داریم، از آنها می‌گذریم روز موج نوی ترانه‌نویسی آغاز می‌شود؛ ترانه در زمستان ۴۹ نوشته و در بهار سانی چون زویا زاکاریان، منصور تهرانی مو مقبولیت و محبوبیت در میان عامه د. ترانه‌سرایی نوین با تأخیری ۵۰ ساله ه عنوان عصری پویا در زندگی شهروند اسلامی آغاز می‌شود، به نوعی ادامه

اد و دهه‌ای می‌توان به این صورت ما چندان خبری از ترانه پاپ فارسی پاپ می‌زند که البته بیشتر سرودند گرفت. سال‌های آغازین این حرکت ۲۰ سال پیش بود ولی رفته‌رفته عموم د سال از عمر ترانه‌سرایی می‌گذرد، زیبایی‌شناسانه ترانه‌نویسی نیز اخیراً

سهم تلویزیون در اعتلای ترانه‌نویسی فارسی چقدر است؟

ترانه تیتراژ

خود قرار می‌داد. علی‌معلم دامغانی هم درصدد تقویت وجه گفت‌وگویی و محاوره ترانه‌ها بود و دوگانه او با مجید اخشابی، برسانده چندین تیتراژ تلویزیونی فراگیر بود. ترانه‌نویسی برای تیتراژها محدود به سریال‌ها هم نماند.

دیگر برنامه‌های تلویزیونی نیز نمی‌خواستند از قافله عقب بمانند و در مواردی نه تنها عقب نماندند بلکه کجاده‌شان پیشتر از سریال‌ها هم می‌رفت. به یاد بیاورید برنامه ماه‌رمضانی «ماه عسل» که هر سال تیتراژش آن قدر گل می‌کرد که بین خواننده‌ها و ترانه‌سراها رقابتی برای نوشتن و خواندن برای آن شکل می‌گرفت. هرچند ترانه‌های تیتراژهای این برنامه پرمخاطب را اغلب روزبه بمانی بود که می‌نوشت. یکی از نقاط عطف تیتراژخوانی‌های تلویزیونی، تحولی بود که از جایی به بعد

رخ داد. انگار از جایی به بعد قرار بر این شد که محتوای ترانه تیتراژها باید ربطی وثیق به محتوای برنامه یا سریال داشته باشد. علی‌لهراسبی با خواندن چند ترانه از این دست، پیش از باقی به یاد می‌آید با ترانه‌هایی که از حدیث دهقان، پویا بیاتی و ... خواند.

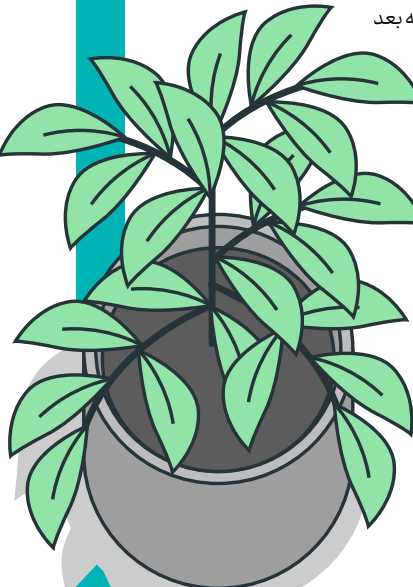
در جریان شناسی ترانه‌نویسی ایران خواهیم نوشت که به ویژه در دهه ۸۰، تیتراژ مجموعه‌های تلویزیونی، ترانه را دوباره به عرصه عموم کشاندند. تیتراژها، رابطه‌ای تنگاتنگ میان هنر تصویر و موسیقی برای گسترده‌تر کردن دایره مخاطبان هر دو هنر ایجاد کردند. شاید نخستین بار با تیتراژها بود که به نام نویسندگان ترانه‌ها توجه شد.

تا پیش از آن فقط خواننده بود که اسمش به گوش می‌رسید و نهایتاً شاید آهنگسازها را هم تعدادی از مخاطبان که ماجرا را جدی‌تر دنبال می‌کردند می‌شناختند، اما با جدی‌تر شدن و همه‌گیر شدن جریان ورود خواننده‌ها به تیتراژ برنامه‌های پرمخاطب، ترانه‌سراها هم چهره شدند. به یاد بیاورید افشین پدالهی را یا عبدالجبار کاکایی را در دهه ۸۰ که ترانه‌نویسی آنها را شهره کرد. با این‌که شاید نخستین‌باری پس از انقلاب که تیتراژ یک مجموعه تلویزیونی بابت آهنگ و ترانه‌اش به چشم آمد، سال ۱۳۷۳ بود.

آن سال، محمد اصفهانی که بعدها از جمله چهره‌های فعال در عرصه تیتراژخوانی در تلویزیون شد، اولین تجربه تیتراژخوانی‌اش را در سریال «آوای فاخته» تجربه کرد و ترانه‌سرای اثری که او خواند، ساعد باقری بود.

«ارمغان تاریکی» یکی دیگر از نقاط عطف کارنامه تیتراژخوانی محمد اصفهانی بود که با ترانه‌ای از عبدالجبار کاکایی ساخته شد. اما جز این‌ها که به دهه ۷۰ مربوط است، دهه ۸۰ را باید عصر تحول و قدرت‌گرفتن ترانه‌نویسی در تلویزیون دانست. تیتراژهای مجموعه‌های تلویزیونی در این دهه آن قدر مهم شدند

که گاه لازم بود برای این‌که ترانه‌نویس یا خواننده شناخته‌شده‌ای باشی، حتماً باید برای تیتراژها می‌نوشتی یا می‌خواندی. افشین پدالهی بود که همه معادلات تیتراژخوانی در تلویزیون را جابه‌جا کرد. او آن قدر به چشم آمد که گاه خواننده‌ها را هم تحت‌الشعاع



یک ترانه‌سرای باهوش

مونا برزویی



مونا برزویی، نماینده گروهی از بانوان ترانه‌سرای بعد از انقلاب است که در فضای موسیقی پاپ کشور که بسیاری آن را «مردانه» می‌پندارند، توانسته‌اند به موفقیت و اقبال عمومی دست یابند. یکی از مهم‌ترین جریان‌های ترانه فارسی امروز، جریان بانوان ترانه‌سراست که از تعداد قطعات منتشر شده در روز و تعداد بانوانی که ترانه‌های این قطعات را سروده‌اند، می‌تواند به موفقیت این جریان پی برد.

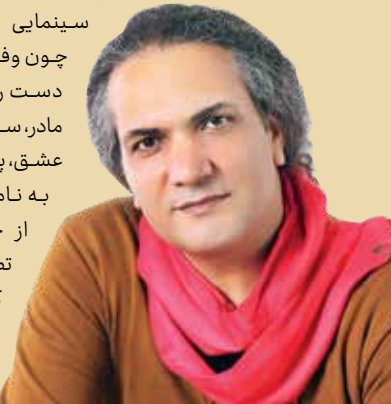
برزویی توانست ضمن همکاری با خواننده‌هایی چون احسان خواجه‌امیری، مهدی یراحی، علی‌لهراسبی، مجید اخشابی و سعید مدرس خیلی زود به یکی از ترانه‌سرایان موفق روزگار خود تبدیل شود. از نکات قوت کارنامه برزویی آن است که او به فضای موسیقایی هر خواننده به خوبی آشناست و تلاش می‌کند برای هر خواننده با توجه به فضای کلی موسیقی و صدای منحصر به فرد خودش ترانه بنویسد. برای بررسی این نکته می‌توان ترانه‌های «فصل افاق» و «ماه و پری» از برزویی با صدای مجید اخشابی را با ترانه‌هایی چون «امپراتور» و «سال درد» از او با صدای مهدی یراحی مقایسه کرد. البته در تمام این قطعات او چارچوب‌های مضمونی و زبانی خود را تا حد امکان حفظ کرده، اما فضای کلی ترانه را با فضای موسیقایی خواننده هم‌راستا کرده است. شاید بتوان این نکته را به عنوان یکی از دلایل موفقیت این ترانه‌سرا دانست. ✎

ترانه‌سرای هیئت‌سرا!

اهورا ایمان

اهورا ایمان را می‌توان به عنوان یکی از خاطره‌سازترین ترانه‌سرایان فارسی بعد از انقلاب نام نهاد. اکثر قطعاتی که او ترانه‌شان را سروده، در این سال‌ها با اقبال مخاطبان مواجه شده‌اند. گرچه او با خوانندگان مشهوری کار کرده و کار کردن با خواننده مطرح نیز کار آسانی نیست، اما توانسته غالباً بهترین قطعات خواننده موردنظر را بسراید. برای مثال قطعه «مرای دوست» که ایمان آن را برای زلزله بم سرود و محمد اصفهانی نیز آن را به بهترین شکل اجرا کرد. مروای دوست بهترین قطعه سال ۸۴ و جزو ۱۰۰ قطعه هیئت چهار دهه اخیر موسیقی ایران می‌باشد. نمونه دیگر از آثار اصفهانی تیتراژ سریال «وفا» است که بیشتر آن را با عنوان مصرع اولش «عشق است و آتش و خون» می‌شناسیم.

نمونه دیگر قطعه «سلام آخر» با آهنگسازی و تنظیم علیرضا کهن‌دیری و صدای احسان خواجه‌امیری است. محبوبیت این قطعه به حدی است که می‌توان آن را تأثیرگذارترین آهنگ احسان خواجه‌امیری دانست. ایمان همچنین از ترانه‌سرایانی است که بخت کار کردن در زمینه تیتراژ سریال‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی را بیشتر از هم‌نسلانش پیدا کرد. فیلم‌های سینمایی و سریال‌هایی چون وفا، معصومیت از دست رفته، میم مثل مادر، سام و نرگس، باران عشق، پریدخت، دختری به نام آهو و شکرانه از جمله تولیدات تصویری هستند که تیتراژ آنها را اهورا ایمان سروده است.



یک زوج هنری موفق

حسین صفا



شاید خود حسین صفا به شهادت آثاری که از او در این سال‌ها در فضای کتاب و نشر منتشر شده و همچنین انجمن‌های شعری که در آنها حضور داشته است، بیشتر تمایل داشته باشد او را به عنوان یک غزل‌سرا بشناسیم. البته جایگاه او نیز در غزل نوی فارسی، جایگاه قابل‌اعتنایی است که باید درباره آن در مجال ویژه‌ای صحبت کرد، اما اینجا دلیل نمی‌شود از خیر ترانه‌های منحصر به فرد صفا در همه این سال‌ها بگذریم. نام حسین صفا را در حیطه موسیقی بیشتر در کنار نام یک خواننده پاپ به نام محسن چاوشی شنیده‌ایم؛ خواننده‌ای که می‌توان از او به عنوان یکی از پرطرفدارترین خواننده‌های موسیقی پاپ در این سال‌ها یاد کرد. زوج هنری صفا و چاوشی در سال‌هایی که بر موسیقی پاپ گذشته، توانست توجه بسیاری از هواداران موسیقی پاپ را به خود جلب کند. چاوشی ابتدا با ترانه‌سرایان دیگری مثل امیر ارچینی نیز همکاری‌هایی کرد اما به مرور زمان بیشتر از همیشه دانست انتظارش در حیطه کلام در موسیقی صرفاً با حسین صفا برآورده می‌شود. رقابت این دو که در دوره سربازی‌شان آغاز شد، خاطره‌های بسیاری برای علاقه‌مندان موسیقی خلق کرد؛ متاسفم، کم‌تحمّل، زخم‌زبون، به شاخه نیلوفر، جوابم نکن، هر روز پاییزه، قطار، پرچم سفید، شاه مقصود و تعدادی از ترانه‌های سریال شهرزاد به کارگردانی حسن فتحی تنها بخش کوچکی از این خاطره‌ها هستند.

پدیده ترانه بعد از انقلاب

روزبه بمانی



تاریخ ترانه فارسی حائز اهمیت رد باقی‌مانده از هیات موسس جدایی ترانه‌سراهای موسس نی ماند و همچنان اداره «خانه ترانه‌سرایان جوان که نسل بعد ل دادند و در حال حاضر نیز در دارند، عملاً خروجی‌های «خانه ی، روزبه بمانی مدیریت «خانه

ی، حضور بارز او در تیتراژهای رایانی هستند که نام‌شان در ون ثبت شده، اما کمتر کسی به افشین پدالهی می‌رسد. یوه ممنوعه و مدار صفر درجه ستند که پدالهی تیتراژشان ز در عقل و جنون باریک است» ای‌اشک و خنده تو» با صدای ست که پدالهی در آنها پاپ مکاری کرده است.

